


Civilization as the main function of the social institution of the family

Mohamad Mohsen Haghighi ¹ 

Abstract

The family has been one of the main institutions in every society and culture since ancient times, and no human civilization has been formed without this institution. In the Iranian society, the institution of the family has had and still has an irreplaceable place, but in the present era, due to value changes and the discovery of modern institutions or alternative methods, the institution of the family and its functions have been damaged, as a result of which many damages have been imposed on the society, so it is necessary to Rethinking the main functions of this institution and enumerating the issues burdened on these functions moved towards solving the damage caused in the society; Based on this, this article seeks to answer the question, what are the main functions and formulation of functional issues of the family institution? The main method of this research is based on the qualitative method, which used the method of interviewing experts in this field to collect data, and used thematic analysis method (thematic network) to analyze the data. The findings of the research show that the family institution has excellent functions, and the results of these functions lead to the main function of the family institution, which is civilization. The functional issues of the family are also summarized in 7 axes: marriage issue, educational issues and crises, social monitoring and control issue, identity issue, moral security issue, and population quantity issue, which in a conceptual model, if no suitable solution is adopted to control these issues, will lead to It leads to the collapse of the family and eventually the collapse of the society and the lack of formation of human civilization.

Keywords: Family, function, main functions, functional issues, civilization

1. Researcher, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

haghighimohsen1@gmail.com

Cite this Paper: Haghighi'M. Civilization as the main function of the social institution of the family. Interdisciplinary studies of Islamic revolution civilization. 9(3), 131-166.

Publisher: Imam Hussein University

 **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0) .



9

Vol. 3
Spring 2024

Research Paper

Received:
22 June 2024

Revised:
15 September 2024

Accepted
22 October 2024

Published:
13 November 2024

P.P: 131-166

ISSN: 2980-8901
E-ISSN: 2821-1685





۹

سال سوم
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

صص: ۱۶۶-۱۳۱

شاپا چاپی: ۸۹۰-۲۹۸
الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱

تمدن سازی به مثابه اصلی ترین کارکرد نهاد اجتماعی خانواده

محمدحسن حقیقی^۱ ID

چکیده

خانواده از قدیم‌الایام یکی از اصلی‌ترین نهادها در هر جامعه و فرهنگی بوده است و هیچ تمدن انسانی بدون وجود این نهاد شکل نگرفته است. در جامعه ایران نیز نهاد خانواده جایگاهی بی‌بدیل داشته و دارد اما در عصر حاضر به سبب تغییرات ارزشی و پیدایی نهادهای مدرن یا شیوه‌های جایگزین، نهاد خانواده و کارکردهایش دچار آسیب شدند که به تبع آن آسیب‌های متعددی بر جامعه بار شده است لذا ضروری است تا با بازاندیشی در کارکردهای اصلی این نهاد و برشمردن مسائل بار شده بر این کارکردها، به سمت حل آسیب‌های بوجود آمده در جامعه حرکت کرد؛ بر این اساس این مقاله در پی پاسخگویی به این سوال است که کارکردهای اصلی و صورت‌بندی مسائل کارکردی نهاد خانواده چیست؟ روش اصلی این پژوهش، مبتنی بر روش کیفی است که برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه با کارشناسان و خبرگان این حوزه بهره برده است و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون (شبکه مضامین) استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد نهاد خانواده دارای کارکردهایی متعالی است که حاصل این کارکردها به اصلی‌ترین کارکرد نهاد خانواده یعنی تمدن سازی منجر می‌شود. مسائل کارکردی خانواده نیز در ۷ محور مسئله زوجیت، مسائل و بحران‌های تربیتی، مسئله نظارت و کنترل اجتماعی، مسئله هویتی، مسئله آرمش و امنیت اخلاقی، مسئله کمیت جمعیت جمع‌بندی می‌شود که در مدلی مفهومی در صورت عدم اتخاذ راهکاری مناسب جهت کنترل این مسائل، منجر به فروپاشی خانواده و در نهایت فروپاشی جامعه و عدم شکل‌گیری تمدن انسانی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خانواده، کارکرد، کارکردهای اصلی، مسائل کارکردی، تمدن‌سازی

۱. پژوهشگر، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

haghighimohsen1@gmail.com

استناد: حقیقی، محمدحسن. تمدن‌سازی به مثابه اصلی‌ترین کارکرد نهاد اجتماعی خانواده، (۳)۹، ۱۶۶-۱۳۱.

نویسندگان ©

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی و اصلی‌ترین نهاد اجتماع می‌باشد. خانواده جایگاه مهمی از منظر اندیشمندان جهان به خصوص اندیشمندان علوم انسانی دارد و هر کدام از دیدگاه خود این نهاد را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. به لحاظ تاریخی، تمامی تاریخ‌نگاران معتقدند که خانواده کهن‌ترین گروهی است که به اقتضای نیاز طبیعی، عاطفی و اجتماعی بشر شکل گرفته و سابقه‌ای به درازای سابقه زیست بشر بر روی زمین دارد (ابن خلدون، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵). اسلام نیز برای خانواده قداست و منزلت خاصی قایل شده است؛ رسول گرامی اسلام آن را محبوب‌ترین و عزیزترین بنا نزد خدای سبحان توصیف کرده و فرمود است: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّرْوِيجِ؛ در منظر خدای متعال، هیچ نهادی در اسلام محبوب‌تر و عزیزتر از تشکیل خانواده بر پا نشده است» (نوری طبرسی، ۱۳۶۶، ج ۱۴، ص ۱۵۳). خانواده محوری از دیدگاه قرآن و روایات جزء شاخصه‌های فرهنگی جامعه مطلوب ذکر شده است (هاشمی مزرعه، ۱۳۸۸، ص ۵) و هیچ تمدن انسانی را نمی‌توان یافت که نهاد خانواده در آن نقشی مرکزی و محوری نداشته است (آرام، ۱۳۹۷، ص ۱).

در حال حاضر جامعه‌ی ایران با آسیب‌ها و مسائلی اجتماعی مواجه است از جمله افزایش نرخ طلاق، کاهش نرخ ازدواج، تغییر در الگوهای همسرگزینی و روابط بین دو جنس، شکاف نسل‌ها، مساله بدحجابی، روابط جنسی خارج از چارچوب، کاهش نرخ فرزندآوری، گسترش تعارضات نقشی زنان، شکل‌گیری انواع جدید خانواده و... که بیانگر بی‌ثباتی و اختلال خانواده در سطح گسترده است. با بررسی و مطالعه این آسیب‌ها و مسائل مشخص می‌شود که نظام کارکردی خانواده بر حسب فایده‌ای که به کل جامعه و یا اجزای دیگر آن می‌رساند، دچار مسئله شده است و اگر نهاد خانواده و کارکردهای اصلی آن به درستی عمل می‌کردند، جامعه با این مسائل و آسیب‌ها مواجه نبود. ثبات و استحکام نهاد خانواده در گرو تداوم کارکردهای فردی و اجتماعی آن و یا تغییر کارکردهای آن در شکل جایگزین شدن کارکردهای جدید به جای کارکردهای پیشین است؛ به طور کلی دو دسته از عوامل باعث تغییر کارکردهای یک نهاد اجتماعی می‌شوند: تغییرات ارزشی و پیدایی نهادها یا شیوه‌های جایگزین. در عصر حاضر و به دلایل مختلف از جمله

تحول اجتماعی، صنعتی شدن، نوسازی و مدرنیسم و... هم نظام ارزشی نهاد خانواده و هم ساختار، تشکیلات و کارکردهای خانواده در مواجهه با نهادها و شیوه‌های جایگزین دست‌خوش تغییراتی شده‌اند. به نظر می‌رسد پاره‌ای از تغییرات نهادی مانند انتقال بخشی از کارکرد جامعه‌پذیری و کارکردهای اقتصادی به عوامل خارج از خانواده مانند رسانه، مدرسه، محیط‌های کاری و... که به اقتضای زندگی شهری و تمدن صنعتی جدید بوجود آمده‌اند، واقعیت‌های ضروری و گریزناپذیرند (بستان، ۱۳۸۹، صص ۲۳۲-۲۳۱). اما کارکردهایی مانند تنظیم رفتار جنسی، تولید مثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، تربیت دینی... بعضاً یا کلاً به وسیله‌ی نهادهای دیگر یا شیوه‌های غیر نهادینه ایفا می‌شوند و از نقش خانواده در کنترل اجتماعی تا حدود زیادی کاسته شده است (بستان، ۱۳۸۹، صص ۲۳۲-۲۳۱) و در تضاد با نظام ارزشی خانواده و غایت آن که حفظ جامعه است، می‌باشد که این موارد به صورت کلان نظام فرهنگی و اجتماعی جامعه را با اختلال و آسیب مواجه کرده است و نیازمند توجه مجدد به کارکردهای اصلی نهاد خانواده و شناسایی مسائل کارکردی آن جهت جلوگیری از آسیب‌های جدی بعدی به جامعه می‌باشد.

این پژوهش با هدف تبیین کارکردهای اصلی و صورت‌بندی مسائل کارکردی نهاد خانواده با نگاهی به نظریه کارکردگرایی ساختاری پی‌ریزی شده است و برای دستیابی به این هدف، داده‌های لازم با استفاده از روش مصاحبه (خبره) با کارشناسان و سیاست‌گذاران این حوزه گردآوری و با روش کیفی تحلیل مضمون، داده‌های گردآوری شده تحلیل شده است و در نهایت در پی پاسخگویی به پرسش‌های ذیل می‌باشد:

سؤالات پژوهش

کارکردهای اصلی خانواده در جامعه ایران چیست؟

صورت‌بندی مسائل کارکردی خانواده چیست؟

بررسی پیشینه بحث

در موضوع «کارکردهای اصلی و مسائل کارکردی نهاد خانواده» بعد از جستجو در منابع داخل کشور و خارج از آن موارد ذیل که دارای مشابهت با موضوع پژوهش بودند در قالب جدول زیر دسته‌بندی شدند:

عنوان و مؤلف مقاله	روش	اهم کارکردها و مسائل ذکر شده برای نهاد خانواده
کارکردشناسی فرهنگی و تمدنی خانواده انگاری جامعه از دیدگاه قرآن کریم مقاله محمد مصطفی اسعدی	استقراء تام در قرآن و به روش تفسیر درون‌متنی و برون‌متنی	کارکردها: توجه به هویت تاریخی، همبستگی، تعاون و تاب‌آوری اجتماعی، اصلاح خرده فرهنگ‌ها و مواجهه با ضدفرهنگ‌ها در جامعه ایمانی و غیر ایمانی بوده
رویکرد اسلام به چهار کارکرد مهم خانواده اسماعیل چراغی کوتیانی	اسنادی	کارکردها: تنظیم رفتار جنسی، حمایت و مراقبت، عاطفه و همراهی، جامعه پذیری
نگرش اسلام و فمینیسم به کارکردهای نهاد خانواده صالحه شریفی	اسنادی	مسائل: نتیجه‌ی حاصل از این مقایسه به طور مختصر آن است که بیش‌تر رویکردهای انتقادی و گاه افراطی فمینیسم، با رویکردهای اسلامی ناسازگار است که از جمله می‌توان به تعارض این دو دیدگاه در زمینه‌های تولید مثل، مادری کردن، جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی، الگوهای رفتار جنسی، طرق ارضای نیازهای عاطفی، کارکردهای اقتصادی و تربیت دینی در خانواده اشاره کرد.
کارکرد خانواده از دیدگاه روان‌شناسی با نگرش به منابع اسلامی داود حسینی	اسنادی، توصیفی-تحلیلی	کارکردها: تعلیم و تربیت، انتقال افکار و ارزش‌ها، تأمین نیازهای مادی و معنوی و انتقال مفاهیم عمیق اخلاقی و اجتماعی

عنوان و مؤلف مقاله	روش	اهم کارکردها و مسائل ذکر شده برای نهاد خانواده
<p>بررسی تطبیقی مفهوم و کارویژه‌های خانواده در الگوی اسلامی و غربی</p> <p>شعیب رشیدی، سید حسام الدین حسینی، و موسی شهریار</p>	<p>اسنادی، توصیفی-تحلیلی</p>	<p>کارکردها: در اندیشه غربی، تامین نیازی جنسی، جامعه پذیری از مهمترین کارکردهای خانواده است اما در اندیشه و الگوی اسلامی، تامین نیازی روحی و معنوی، تولید نسل و در عین حال تامین نیازی جنسی، تقویت و تکامل انسان‌ها و جلوگیری از هرج و مرج کارکرد خانواده در اسلام است.</p>
<p>اهمیت، نقش و کارکرد خانواده از دیدگاه اسلام و بررسی جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش</p> <p>ابراهیم نجفی، و حسین احمدی</p>	<p>تحلیل محتوا</p>	<p>کارکردها: تعلیم و تربیت</p>
<p>چالش‌های خانواده معاصر و نوگرایی با تأکید بر طلاق در فرآیند گذار جمعیتی</p> <p>یعقوب فروتن</p>	<p>ترکیبی (کیفی، نظری، کمی و تجربی)</p>	<p>مسائل: طلاق، تأثیر نوگرایی و مظاهر آن (به‌ویژه فردگرایی، صنعتی شدن، شهرنشینی) به عنوان ریشه اصلی تغییرات بنیادین خانواده معاصر، نقش حیاتی تحولات فرهنگی در روندهای طلاق.</p>
<p>شناسایی مسائل اساسی تحکیم خانواده در ایران (با تأکید بر تغییرات ارزشی در آینده)</p> <p>رحیم کارگر</p>	<p>اسنادی- تاپسیس</p>	<p>مسائل: مهم ترین مسائل آینده خانواده در ایران، بر محور ارزش‌ها و تغییرات ارزشی است</p>
<p>فرآیند نوسازی بر ظهور مسائل جدید در خانواده</p> <p>حسین نازک‌تبار</p>	<p>پیمایشی</p>	<p>مسائل: رابطه بین فرآیند نوسازی و نگرش به طلاق و خیانت خانوادگی، رابطه بین فرآیند نوسازی و مصرف‌نمایشی</p>

وجه تمایز این مقاله در مقابل پژوهش‌های مذکور: با بررسی ادبیات موجود بحث و پژوهش‌های صورت گرفته مشخص شد، اولاً رویکرد این پژوهش کلان و سیاست‌گذارانه است و سعی می‌کند از جزئی‌نگری پرهیز کند و کارکردها و مسائل کارکردی خانواده را در نسبتی کلان با جامعه و آینده آن تحلیل و بررسی کند و سعی کرده تا ضمن احصاء کارکردهای اصلی و مادر، مسائل کارکردی حادث شده بر این کارکردها را نیز تبیین و تحلیل کند و در رویکردی جدید، کارکردی منحصر به فرد را برای خانواده کشف کند. دوم اینکه پژوهش‌هایی که خانواده را با رویکردی کارکردی و مسئله‌شناسانه مورد پژوهش قرار داده‌اند، صرفاً با دیدگاهی جزءنگر یا بخشی با بهره‌گیری از روش‌های عمدتاً اسنادی و توصیفی-تحلیلی یک کارکرد یا یک مسئله خاص را در نسبت با خانواده مورد بررسی قرار داده‌اند. نکته آخر، این پژوهش برای دستیابی به هدفش با استفاده از روش کیفی هم در جمع‌آوری داده‌های اصلی تحقیق و هم در تحلیل (جهت نیل به مدلی نظری)، به کارشناسان و خبرگان حوزه خانواده با تخصص‌های مختلف از جمله دین‌شناسی، فرهنگ و رسانه، آموزش و پرورش، تربیت و مدیریت مراجعه کرده تا با توجه به تجربه علمی و اجرایی این افراد، دانش ضمنی ایشان را استخراج و به دانش صریح و کاربردی تبدیل کند تا در نتایج این پژوهش متبلور شده و در دسترس پژوهشگران و تصمیم‌سازان قرار گیرد. که در هیچ پژوهشی این موضوع دیده نشده است.

قبل از پرداختن به چارچوب مفهومی و نظری بحث اشاره به این نکته ضروری است که در پژوهش‌های کیفی پرداختن به مفاهیم و مباحث نظری به منظور استخراج فرضیه و آزمون آن‌ها نیست بلکه در این نوع از پژوهش‌ها از مرور مفاهیم و نظریات به عنوان دانش زمینه‌ای استفاده می‌شود تا به وسیله آن اطلاعات و مشاهدات تحقیق مورد توجه قرار گیرد. (فلیک، ۱۳۸۷) هدف پژوهش کیفی آزمودن مفاهیم و نظریات نیست بلکه ساختن مفهوم و نظریه خرد جدید است و لذا استدلال‌های استقراپی و استقرایی بنیان کار کیفی را تشکیل می‌دهد و از استدلال قیاسی-فرضیه‌ای اجتناب می‌شود. (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۲۳۳) البته این موضوع بدان معنا نیست که در کارهای اکتشافی نیاز به دیدگاه‌های نظری نیست بلکه نظریه در تحقیق کیفی به شیوه‌ای خاص کاربرد دارد.

چارچوب مفهومی

خانواده در لغت به معنی خاندان، دودمان، تبار، اهل خانه و اهل‌البیت است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۹۴۳۸). از دیدگاه جامعه‌شناسی، خانواده را از جنبه‌های زیر می‌توان مورد بررسی قرار داد و تعریف کرد: «الف - ساخت و خصایص درونی خانواده، ب - کارکردهای خانوادگی (اساسی یا غیرقابل جایگزین، ثانوی یا علی‌البدل)، ج - نقش‌های هریک از اعضا، رفتارهای آنان، اشکال روابط و جلوه‌های همبستگی بین آنان، درجات وابستگی متقابل و استقلال افراد، د - مقام فرزند در خانواده و دیدی که درباب پرورش او وجود دارد، ه - ثبات خانوادگی و علل بی‌ثباتی آن و - خانواده و روابط آن با جامعه» (بیرو، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱) ساروخانی در تعریف خود از خانواده این‌گونه بیان می‌دارد: «خانواده در زمره‌ی عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی است و بر اساس ازدواج بین دست کم دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و در آن مناسبات خونی واقعی یا اسناد یافته به چشم می‌خورد. به همراه این مناسبات شاهد پیوندهایی قراردادی مبتنی بر پذیرش فرزند نیز هستیم. خانواده معمولاً دارای نوعی اشتراک مکانی است» (ساروخانی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰) در تعریف خانواده در اسلام نیز می‌بایست به اهداف و تعالیمی که دین برای ازدواج و تشکیل خانواده قرار داده، توجه نمود. از دیدگاه اسلام با توجه به سطوح مختلف جامعه (فرد، خانواده، همسایگان، ملت، امت و...) خانواده مرکز ثقل جامعه اسلامی است. (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸، ص ۳۶) از دیدگاهی «خانواده اسلامی نهادی است که از پیوند ولایی زن و مرد در حضور خدا و با هدف رسیدن به آرامش تشکیل می‌شود و با تربیت ولایی فرزندان، سبب رشد فردی و تعالی جامعه می‌گردد.» (شاه‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۶۵) با بررسی آیات و روایات می‌توان ۵ هدف اصلی برای تشکیل خانواده بیان کرد: ۱. آرامش، انس و الفت فردی و اجتماعی (روم، ۲۱؛ اعراف، ۱۸۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۷۳، ح ۷؛ طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۴۹، ح ۱۵۴۱)، ۲. حفظ امنیت اخلاقی جامعه (زمانی، ۱۳۸۶، صص ۸۹-۸۶)، ۳. ادامه نسل بشری (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۵۰) ۴. انتشار آرمان توحید. «ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۲، ح ۴۳۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۱۴۵۴، کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۳، ح ۱)، ۵. تربیت نسل صالح (تحريم، ۶؛ طه، ۱۳۲). بر این اساس با توجه به موارد مذکور به نظر می‌رسد در تعریف خانواده می‌بایست هدف، ساختار،

کارکرد، نقش، نوع رابطه بین زوجین و فرزندان را در نظر گرفت؛ بر این اساس خانواده در درجه‌ی اول یک نهاد اجتماعی^۱ است با یک ساختار معین، و با اهداف متعالی مشخص، متشکل از نقش‌های متعدد اصلی و فرعی از جمله نقش پدری، مادری و فرزندگی، پدربزرگی، مادربزرگی و... که هر کدام مسئولیت‌هایی را عهده دار می‌باشند. روابط اعضای این گروه در ابتدا بر اساس یک قرارداد حقوقی برقرار می‌شود و در ادامه بر مبنای عاطفه و محبت بین اعضا ادامه می‌یابد و در نهایت به رابطه‌ای ولایی برای رشد فردی و اجتماعی ختم می‌شود. این نهاد دارای کارکردهایی می‌باشد که در نهایت جامعه از آن منتفع می‌شود و اختلال در کارکردهای آن مشکلات و آسیب‌های متعددی را در جامعه بوجود می‌آورد.

در بررسی کارکردهای خانواده می‌بایست همچون دیگر امور و پدیده‌های اجتماعی، گذشته‌ی تاریخی و زمان و مکان آن را نیز در نظر گرفت. در زمان حاضر می‌توان دو نوع خانواده با دو نوع رویکرد متفاوت را تشخیص داد، خانواده‌ی سنتی با کارکردهای سنتی و خانواده‌ی غیر سنتی معاصر با وظایف و کارکردهای نوین. (تقوی، ۱۳۷۴، ص ۶۰) همین که یک جامعه شروع به جایگزین کردن الگوی کشاورزی با الگوی صنعتی می‌کند، کارکردهای خانواده نیز دگرگون می‌شود و مهم‌ترین پیامد آن جانشینی خانواده‌ی هسته‌ای به جای خانواده‌ی گسترده می‌باشد. (کوئن، ۱۳۷۰، ص ۱۲۹) از این رو در گذشته خانواده وظایف گسترده و متنوعی را دارا بود مانند وظایف اقتصادی، آموزشی، فرهنگی، درمانی، بهداشتی، دینی و حتی نظامی و نظایر آن که به تدریج برخی از این وظایف بر عهده‌ی دولت‌ها و حکومت‌ها نهاده شد. (آراسته‌خو، ۱۳۸۱،

۱. نهاد اجتماعی مجموعه‌ی هنجارها و ارزش‌هایی است که توسط افراد یا اعضای جامعه به عنوان قرارداد پذیرفته شده و افراد جامعه کارکردهای خود را براساس و در قالب این نهادها دنبال می‌نمایند. از این رو نهادهای اجتماعی لازمه‌ی برطرف کردن و ارضای نیازهای اجتماعی است. نهادهای اجتماعی همچنین روابط اجتماعی را بین افراد و اعضای گروه میسر و امکان‌پذیر می‌نمایند. مهم‌ترین ویژگی نهادهای اجتماعی عبارت است از:

۱. نهادهای اجتماعی ابزارهای کنترل‌کننده‌ی افراد هستند
۲. نهادهای اجتماعی مبتنی بر فعالیت‌های جمعی افراد می‌باشند.
۳. نهادها دارای روش‌ها و شیوه‌هایی مشخص می‌باشند که براساس آداب و سنن شکل می‌گیرد.
۴. به دلیل این‌که نهادهای اجتماعی ریشه‌های ارزشی، فرهنگی و اجتماعی دارد نسبت به سایر ابزار کنترل اجتماعی از ثبات بیشتری برخوردار است.
۵. هر نهاد اجتماعی دارای قوانین است که افراد جامعه می‌باید از آن‌ها اطاعت کنند (شیخی، ۱۳۸۰، صص ۳۲-۳۰).

ص ۵۳۷) و همین که تولید اقتصادی از خانه به کارخانه انتقال می‌یابد، این ضرورت برای نهادهای آموزش رسمی پیش می‌آید که نقش بیشتری را در فراگرد اجتماعی شدن به عهده بگیرند. (کوئن، ۱۳۷۰، ص ۱۲۹) در جوامع صنعتی مدارس، مؤسسات اقتصادی، مذهبی و حکومتی بسیاری از کارکردهای خانواده را بر عهده گرفته است. بر این اساس امروزه دولت بیشتر کارکردهای حمایتی و حفاظتی خانواده را عهده دار شده است. (کافی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۷)

پارسنز تحول اجتماعی و صنعتی شدن جامعه، پیدایش نهادهای جدید و عواملی از این قبیل را به عنوان عوامل عمده در تغییر وظایف خانواده معرفی کرده است و در تجزیه و تحلیل خود از کارکردهای خانواده به سه مورد زیر اشاره نموده است:

۱. کاهش اهمیت خانواده به عنوان یک نهاد اقتصادی و سیاسی، و در نتیجه افزایش نقش آن در زمینه اجتماعی کردن فرزندان، مسائل تربیتی آن‌ها و تقویت خانواده به عنوان پایگاهی حمایتی و عاطفی.

۲. از هم پاشیده شدن خانواده تا جایی که به روابط خویشاوندی مربوط می‌گردد؛ یعنی کاهش ارتباطات خویشاوندی در این نهاد، و در مقابل تقویت روابط در آن به عنوان یک نهاد هسته‌ای.

۳. رابطه زنان با جهان خصوصی خانواده، و در مقابل ارتباط مردان با جهان اقتصادی و سیاسی خانواده» (شیخی، ۱۳۸۰، ص ۴۵).

به عقیده‌ی آزاد ارمکی با وجود واگذاری برخی از کارکردهای خانواده به دیگر نهادهای اجتماعی ولی هنوز برای خانواده کارهای بسیاری باقی مانده است از جمله: تولید مثل، تربیت فرزندان، حمایت آموزشی و پرورشی، حمایت از پدران و مادران، مشارکت در ازدواج فرزندان، تقویت حس مشارکت، بروز علائق و آزادی و اعتماد اجتماعی، استراحت و رفع خستگی انسان امروز و تحقق فردیت اجتماعی (آزاد ارمکی، ۱۳۹۷، ص ۶۸).

با این وجود جامعه‌شناسان کارکردهای متعددی برای خانواده ذکر کردند که اختلال در هر کدامشان، سبب آسیب و اختلال در جامعه می‌شود، از جمله: ۱. تولید مثل، ۲. حمایت و مراقبت، ۳. جامعه‌پذیری، ۴. تنظیم رفتار جنسی، ۵. عطف و همراهی و ۶. تأمین پایگاه اجتماعی (بستان، ۱۳۸۹، ص ۶۳) از دیگر کارکردهای خانواده باید به آموزش، تربیت دینی، تأمین

پدر مشروع، کنترل اجتماعی، تامین نیازهای اقتصادی، انتقال کالاهای مادی، گذراندن اوقات فراغت، رشد و تثبیت شخصیت، استمرار تضادهای اجتماعی، استمرار فاصله‌ی طبقاتی و ایجاد تغییرات اجتماعی اشاره کرد (بستان، ۱۳۸۹، صص ۶۴-۶۳؛ کوئن، ۱۳۷۱، صص ۱۳۲-۱۳۱؛ کافی، ۱۳۸۵، صص ۲۰۶-۲۰۴). در اسلام نیز کارکردهای متعددی برای خانواده ذکر شده است که با کارکردهای مذکور اشتراک لفظی دارند اما اشتراک محتوایی ندارند از جمله: کسب آرامش، تأمین نیازهای روحی و معاشرت اجتماعی، ممانعت از هرج و مرج، تولد، تولید مثل و تأمین نیازجنسی، حمایت و مراقبت، عاطفه و همراهی، تربیت و جامعه‌پذیری (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸، ص ۱؛ حسینی، ۱۴۰۰، صص ۱۳-۱۱) با توجه به اهداف مذکور در تشکیل خانواده، اسلام در نهایت خانواده را محیطی اجتماعی برای تکامل انسان و جامعه و دستیابی به تمدنی انسانی در راستای هدف اصلی آفرینش یعنی عبودیت و بندگی می‌داند و کارکردهای خانواده را نیز در راستای این مسیر تبیین و تعریف می‌کند، در صورتی که بعد از انقلاب صنعتی ابتدا با رویکردهای ضد خانواده، زن را از محیط خانواده جدا نمود و فرد را متعلق به دولت و آزاد برای کار و نقش آفرینی اقتصادی دانست و منجر به فروپاشی خانواده و شکل‌گیری رویکردهای افراطی و فمینیستی نسبت به این رویکرد ضد خانواده شد که این رویکردها نیز نتوانستند خانواده را در غرب نجات دهند و با بازتعریف کارکردهای اصلی خانواده نقشی حداقلی به این نهاد دادند که با روح انسانی و تمدنی در تضاد است. (حسینی، ۱۴۰۰؛ شریفی، ۱۳۹۰) نکته‌ی مهمی که بایستی مورد توجه قرار گیرد این است که در بررسی مفهوم خانواده و کارکردهای آن با رویکردی جامعه‌شناسانه باید دقت داشت که به دیدگاه‌های حداقلی و اومانستی در وظیفه و کارکردهای خانواده اکتفا نشود و بعد انسان‌سازی و جامعه‌سازی این نهاد مقدس حتماً مدنظر قرار گرفته شود.

چارچوب نظری

پرداختن به موضوع تحول و تغییر در نهاد خانواده و مسئله‌شناسی کارکردی این نهاد امری ضروری است و آنچه مسلم است خانواده ایرانی به لحاظ کارکردی دچار تغییر و تحولات فراوانی شده به طوری که این تغییرات کارکردی چالش‌هایی را برای جامعه بوجود آورده است. در ادبیات جامعه‌شناسی نسبت به این موضوع رویکردهای متعددی وجود دارد که در این مقاله رویکرد

کارکردگرایانه پارسنز مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس این نظریه، نهادهای اجتماعی بر اساس تأثیر و فایده‌ی آن‌ها بر کلیت جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد که پارسنز و آبرل این دیدگاه را توضیح می‌دهند.

از نظر پارسنز «مفهوم کارکرد برای فهم همه‌ی نظام‌های زنده است. کارکرد مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد» (ریترز، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱). در واقع، مفهوم کارکرد پیامد و نتیجه‌ی ضروری نظام زنده‌ای است که برخی خصوصیاتش را شرح می‌دهد، که برخی از آن‌ها به روابط نظام و محیط مربوطند و بعضی دیگر به روابط اجزای درونی خود نظام. (روشه، ۱۳۷۶، ص ۷۴-۷۳) از نظرا و حیات هر نظام بستگی به وجود چهار نوع کارکرد دارد که عبارت‌اند از: سازگاری (تطبیق)^۱، دست‌یابی به هدف^۲، انسجام^۳ و پایداری^۴ (سکون یا نگهداشت الگو) (آزاد ارمکی، ۱۳۸۸، ص ۴۴؛ کرایب، ۱۳۸۹، ص ۵۹).

خانواده جایی است که این قابلیت را دارد که کارکردهای مذکور را برای جامعه فراهم کند. ظرفیت انطباق با محیط اعم از فیزیکی و اجتماعی را افزایش می‌دهد. اگر خانواده بتواند نقش فرهنگی و ارتباطی خود را و به تعبیری دیگر، به عنوان یک نهاد ارتباطی، نقش رسانه‌ای خود را برای اعضایش، به خوبی ایفا کند، آن وقت است که باید برای نظام اجتماعی نیز الگو و راهنمای عمل باشد و برای نظام اقتصادی نیز قابلیت‌های لازم را تأمین و نیروی انسانی مورد لزوم را تربیت کند و ظرفیت انطباق نظام را با محیط افزایش دهد. این رویکرد ارتباط نزدیکی با ساختار کل جامعه و فرآیندهایی دارد که از آن طریق نهادهای اجتماعی با یکدیگر به طور متقابل و هماهنگ عمل می‌کنند، به نحوی که ساختار و حرکت اجتماعی در یک جامعه حفظ گردد و جریان داشته باشد، یعنی وظایف گوناگون و مختلف درون جامعه توسط افراد و اعضای گوناگون می‌بایست به عهده گرفته شود که همان مفهوم ساده‌ی کارکردگرایی می‌باشد. از این رو خانواده به عنوان یکی از نهادهای کلیدی شناخته شده است که به فرد جهت حفظ ساختار اجتماعی و پایدار نگه داشتن زندگی اجتماعی مسئولیت می‌دهد (شیخی، ۱۳۸۰، ص ۲۶).

1. Adaptation
2. Goal Attainment
3. Integration
4. Latency

آبرل^۱ و همکارانش نیز مبتنی بر نظریه کارکردگرایی ساختاری، از شرایطی بنیادی سخن می‌گویند که اگر وجود نداشته باشند، جامعه‌ای نیز به جای نخواهد ماند: نخستین عامل به ویژگی‌های جمعیتی جامعه مربوط است، اگر جمعیت هر جامعه‌ای نابود یا پراکنده شود وجود جامعه آشکارا در خطر خواهد افتاد. دوم این که، یک جمعیت بی تفاوت برای جامعه تهدیدی به شمار می‌آید. سوم این که، جنگ «همه علیه همه» در داخل جمعیت یک جامعه، تهدیدی برای ادامه حیات آن به شمار می‌آید. به نظر کارکردگرایان ساختاری، جامعه با توافق اعضایش به هم پیوسته می‌شود؛ جامعه‌ای که با زور به هم پیوسته شده باشد، جامعه به معنای واقعی نیست. سرانجام این که، هر جامعه‌ای می‌تواند با جذب شدن در جامعه‌ای دیگر، از طریق الحاق، فتح و نظایر آن، پایان گیرد (ریترز، ۱۳۸۹، صص ۱۲۸-۱۲۷). با وجود خانواده، جامعه به جمعیت سالم، هدفمند و منسجم خواهد رسید. روی دیگر سکه این بحث در مورد پیش‌نیازهای کارکردی، ویژگی‌هایی است که یک جامعه برای زنده ماندن باید آن‌ها را داشته باشد. یکی آن که، هر جامعه‌ای باید برای برخورد با محیطش روش‌های مناسبی داشته باشد. هر جامعه‌ای باید بتواند نیازهای لازم برای بقایش (خوراک، سوخت، مواد خام و نظایر آن) را از محیط بیرون بکشد، دوم قضیه محیط زیست به نظام‌های اجتماعی دیگری برمی‌گردد که هر جامعه‌ای باید بتواند با آن‌ها کنار بیاید. از جمله ابعاد این قضیه، بازرگانی، تبادل فرهنگی، ارتباطات کافی و دفاع نظامی شایسته در برابر دشمنی‌های بین جوامع، است (ریترز، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸). بخشی از این نیازها توسط خانواده پاسخ داده می‌شود و این آموزش‌پذیری و مسئولیت‌پذیری افراد خانواده است که در آینده برای جامعه اعضای شایسته‌ای در جهت برآوردن این نیازها می‌شوند. ضمن اینکه هر جامعه‌ای باید روش کارآمدی برای برقراری روابط جنسی داشته باشد. هر دو جنس باید انگیزش لازم را برای تولید مثل به میزان متناسب برای بقای جامعه، داشته باشند. این موضوع در خانواده قابل کنترل و نظارت می‌باشد و از هرج و مرج جنسی جلوگیری می‌کند (ریترز، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸). همچنین، یک نظام ارتباطی کارآمد، پیش‌نیاز هر نوع نظام اجتماعی انگاشته شده است. عناصر سازنده این نظام، عبارتند از زبان و راه‌های ارتباطی. زمانی که کارکردگرایان ساختاری از ارتباطات سخن می‌گویند، نظام‌های نمادین مشترکی را نیز در نظر دارند که افراد جامعه طی فراگرد اجتماعی شدن

1. Aberle- D. F

فرا می‌گیرند. نظام‌های نمادین مشترک یک نوع نظام فرهنگی ارزشی را امکان‌پذیر می‌سازند. همین نظام فرهنگی و نحوه شکل‌گیری آن است که از دیدگاه کارکردی-ساختاری، از همه مهم‌تر است. کارکردگرایان ساختاری نه تنها معتقدند که نظام فرهنگی مشترکی باید در جامعه وجود داشته باشد، بلکه از نیاز به یک نظام مشترک ارزشی در سطح فردی نیز سخن می‌گویند. شاید مهم‌ترین کارکرد آن این باشد که موقعیت‌های اجتماعی را استوار، با معنی و پیش‌بینی‌پذیر می‌سازند. کارکردگرایان ساختاری همچنین استدلال می‌کنند که جامعه به یک رشته هدف‌های مشترک و روشن نیاز دارد. هر جامعه‌ای به روش‌هایی برای تنظیم وسایل دستیابی به این هدف‌های مشترک نیاز دارد و نظام هنجاریبخش همین کارکرد را به عهده دارد. همچنین، هر جامعه‌ای باید تظاهرات عاطفی مردمش را تنظیم کند. از نکات بالا این استنباط می‌شود که هر جامعه‌ای برای بقای خود، به اجتماعی کردن اعضایش نیاز دارد. این نیاز نیز در خانواده امکان‌پذیر می‌یابد (ریترز، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹).

در جمع‌بندی این بخش باید بیان داشت که خانواده یک نظام کنش می‌باشد که در سطوح مختلف خود به کنش متقابل با جامعه، نهادهای جامعه و اعضای خود می‌پردازد. بر اساس چارچوب نظری بحث، بین جامعه و اجزای آن از جمله نهاد خانواده رابطه‌ی متقابل برقرار است و این نهاد نقش بسیار مهمی در بقای جامعه دارد. هم خانواده متأثر بر جامعه است و هم نهادهای جامعه بر خانواده. اما خانواده و کارکردهایش هستند که سبب نظم و ثبات و حرکت و رشد در جامعه می‌شوند و اگر به کارکردهای خانواده ضربه‌ای وارد شود، در حقیقت به جامعه و آینده‌ی آن ضربه وارد شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق اصلی در این پژوهش روش تحقیق کیفی می‌باشد البته لازم به ذکر است جهت کامل کردن بخش‌های دیگر پژوهش از روش اسنادی و بیان تحلیلی و توصیفی بهره‌گرفته شده است. پژوهش کیفی توصیف واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه افراد است نه از دیدگاه مشاهده‌کننده. در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه خبره بهره‌گیری شده

است. موزر و ناگل^۱ (۱۹۹۱) مصاحبه‌ی خیره را به عنوان یکی از انواع مصاحبه‌های نیمه طراحی شده مطرح کردند. در این مصاحبه برخلاف مصاحبه‌های زندگی‌نامه‌ای، مصاحبه شونده نه به خاطر شخص خود، بلکه به سبب خبرگی در یک حوزه فعالیتی خاص، مورد توجه قرار می‌گیرد و فرد مصاحبه شونده، نه به عنوان یک مورد واحد، بلکه به عنوان نماینده‌ای از یک گروه از افراد خیره در مطالعه شرکت می‌کند (حریری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲).

برای تحلیل داده‌های گردآوری شده هم روش تحلیل مضمون (روش شبکه‌ی مضامین) به کار گرفته شده است. تحلیل مضمون، روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ، و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (بویاتزیس، ۱۹۹۸، ص ۴) در این روش، پژوهشگر به دنبال یافتن الگوهای تکراری معنادار است. تکرار یعنی حداقل در دو مورد از متن، بتوان موضوعی را دریافت کرد. بنابراین مواردی که یکبار به کار رفته‌اند مضمون به حساب نمی‌آیند. این روش، براساس یک رویه مشخص و در سه سطح، مضامین پایه^۲ (کدها و نکات کلیدی موجود در متن). سازمان دهنده^۳ (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر^۴ (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل) را نظام‌مند می‌کند و نقشه‌ای از کل مضامین ارائه می‌کند که مضامین با توجه به رابطه اعم و اخص با یکدیگر در آن شبکه جای‌گذاری شده‌اند (آتریدسترینگ، ۲۰۰۱، ص ۳۸۹).

از این رو به جهت دستیابی به جواب سؤالات مقاله به مصاحبه با ۱۲ نفر از خبرگان، سیاست‌گذاران و کارشناسان این حوزه پرداخته شده است. پاسخ کلی به سؤالات در محورهای واحدی دسته بندی شدند، و پس از مصاحبه‌های هشتم و نهم، اگر اختلافی هم در پاسخ‌ها مشاهده شد، صرفاً به دلیل اختلاف رویکرد افراد مورد مصاحبه نسبت به حوزه‌ی کاری ایشان در موضوع خانواده بوده است. به همین دلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به کفایت نظری مورد نظر جهت پاسخگویی به سؤالات مقاله رسیدند. بدین منظور به جهت دستیابی به هدف مقاله و پاسخگویی به پرسش‌های مذکور، از افراد مدنظر سؤالات زیر پرسیده شد:

1. Meuser and Nagel
2. Basic
3. Organizing
4. Global

کارکردهای اصلی و مطلوبی که خانواده در جامعه ایران دارد و می‌بایست در سیاست‌گذاری‌ها به آن توجه شود، چیست؟
مسائل و آسیب‌های کارکردی اصلی‌ای را که خانواده با آن روبروست برای ما بیان نمایید.

تحلیل

در مرحله اول جهت پاسخگویی به سؤالات مقاله، مقولات و عبارات کلیدی هر مصاحبه احصا شد و منطبق بر منطق روش تحلیل مضمون مضامین پایه از آن استخراج گردید، در مرحله دوم و سوم بر اساس مقایسه و بازخوانی و بازبینی متون مصاحبه و تلخیص و ترکیب مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده بدست آمد و سپس با توجه به روح کلی حاکم بر مفاهیم و نظریات پژوهش مضمون فراگیر، یعنی کارکرد تمدن‌سازی به دست آمد که در ذیل این مضمون فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده، شامل: کارکرد جامعه‌سازی، کارکرد انسان‌سازی، کارکرد امنیت‌سازی، کارکرد جمعیت‌سازی، کارکرد حل‌کنندگی، طبق تحلیل نظرات مصاحبه‌شوندگان بیان گردید.

جدول ۱. شبکه مضامین سوال اول

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	زیر مضامین پایه
تمدن‌سازی	خانواده جامعه‌ساز است	خانواده پایه ساخت جامعه است	یکی از کارکردهای اصلی خانواده تربیت انسان‌هایی است که آن انسان‌ها بتوانند تعالی پیدا کنند و بتوانند جامعه را به تعالی برسانند.
			خانواده ساختار و قوام جامعه است
			اساس جامعه براساس خانواده شکل می‌گیرد
			تحویل نسل نقش‌آفرین به جامعه و پیش‌بری اهداف جامعه
خانواده انسان‌الهی می‌سازد	خانواده بستر اصلی تربیت	خانواده مستحکم جامعه می‌تواند به سبک زندگی بومی خود دست یابد و از آن طرف هم جامعه‌ای باشد که در آن نشاط، امیدواری، آینده‌نگری، فعالیت، خطرپذیری وجود دارد؛	تربیت در تمامی ابعاد کارکرد و وظیفه اصلی و موثر خانواده است

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	زیر مضامین پایه	
	(کارکرد انسان سازی)	انسان خدایی است	خانواده بستر تربیت و رشد انسان به سمت خلیفه‌اللهی یکی از کارکردهای اصلی خانواده تربیت انسان‌هایی است که آن انسان‌ها بتوانند تعالی پیدا کنند	
			اشتباه غرب در واگذاری تربیت فرزندان به سایر نهادها از جمله مدرسه و رسانه	
			نقش اساسی مادر در تربیت فرزندان در مسیر قرب الهی	
	غایت تربیت در خانواده، تربیت انسان‌هایی نقش‌آفرین و جامعه ساز است	مادر عامل و نقش اصلی در تربیت خدایی فرزندان دارد	تربیت خدایی	اشتباه غرب در واگذاری تربیت فرزندان به سایر نهادها از جمله مدرسه و رسانه
				تحویل نسل نقش‌آفرین به جامعه و پیش‌بری اهداف جامعه
				اهمیت حقوق متقابل والدین و فرزندان در خانواده و آثار تربیتی آن
				ایجاد روابط صحیح فرهنگی و صیانت از لغزش‌ها در اثر آموزش و تربیت خانوادگی
خانواده فرهنگ‌ساز است (کارکرد فرهنگ‌سازی)	خانواده پایه اصلی ساخت فرهنگ	خانواده پایه اصلی ساخت فرهنگ	از خانواده است که نقش‌ها، وظائف و ارتباطات و همه مسائل شکل می‌گیرد. هم در فرهنگ‌سازی و هم در انتقال فرهنگ	
			یکی از کارکردهای اصلی خانواده، کارکرد فرهنگی است فرهنگ‌پذیری اعضای خانواده از زمان انعقاد نطفه	
			انتقال معنویت، مذهب، اخلاق، فرهنگ، علم، تجربه، مهارت‌ها	
			انتقال فرهنگ، ارزش و آداب و رسوم در بستر ارتباطات خانوادگی و ارتباطات بین‌نسلی	
			ایجاد انواع امنیت (امنیت اخلاقی، روانی، سیاسی و اقتصادی، آموزشی و تربیتی) بواسطه انضباط در روابط	
خانواده امنیت‌ساز است	ایجاد جامعه امن در همه ابعاد			

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	زیر مضامین پایه
	(کارکرد امنیت‌سازی)	حفظ کرامت انسان‌ها	جنسی
			تضمین و تقویت سلامت روانی افراد جامعه
			پیشگیری از هرج و مرج جنسی
			کارکرد و هدف اصلی تشکیل خانواده آرامش است که نتیجه آن در جامعه سرریز می‌شود
		تولید، بقا و تکثیر نسل	تولید نسل و فرزند آوری مشروع
			تأمین منبع انسانی سالم با هویت ارزشی
خانواده جمعیت حلال‌زاده تولید می‌کند (کارکرد جمعیت‌سازی)	خانواده حلال است (کارکرد حل‌کنندگی)	مراقب و حل‌کننده	بقای نسل بشری
			تحویل نسل نقش آفرین به جامعه و پیش‌بری اهداف جامعه
			تأمین منابع انسانی مورد نیاز برای جامعه
		مراقب و حل‌کننده	حمایت و مراقبت اجتماعی
			کنترل مستقیم و غیر مستقیم اجتماعی
			حل مسائل اجتماعی

در جمع‌بندی و جهت پاسخگویی به سؤال اول مقاله با بررسی مضامین پایه و سازمان‌دهنده و احصا مضامین فراگیر می‌توان این‌گونه بیان داشت که نهاد خانواده دارای کارکردهایی متعالی است که حاصل این کارکردها به اصلی‌ترین کارکرد نهاد خانواده یعنی تمدن‌سازی منجر می‌شود؛ به تعبیری دیگر از جمع بین ۴ کارکرد امنیت‌سازی، جمعیت‌سازی و حل‌کنندگی، کارکرد انسان‌سازی بروز می‌کند که منجر به جامعه‌سازی می‌شود، جامعه‌ای الهی که به سمت قرب الهی حرکت می‌کند، فرهنگ متعالی خود را تولید و نسل به نسل از طریق خانواده منتقل می‌کند که این موضوع در غایت به تمدن‌سازی از طریق نهاد خانواده منجر می‌شود. خانواده متعالی، پایدار و فرهنگی است که می‌تواند بانی تمدن بشری باشد و الا اگر در جامعه‌ای خانواده پا

نگیرد، تمدن هم وجود نخواهد داشت، در ادامه به توضیح و بسط مضمون فراگیر و مضامین سازمان‌دهنده پرداخته می‌شود.



تحلیل مضامین سازمان‌دهنده

۱. **کارکرد حل‌کنندگی:** خانواده حلال است. خانواده از اعضای خود مراقبت می‌کند و مشکلات آنان را حل می‌کند و این توانایی را دارد که کنترل اجتماعی خود را بر اعضای اعمال کند. خانواده از گذشته تا کنون به صورت فطری از اعضای خود از بدو تولد تا زمان کهولت و پیری مراقبت و حمایت کرده است. خانواده در مدل گسترده خود این کارکرد را برای تمامی اعضای خانواده و به تعبیری تمام قوم و قبیله خود به کار برده است به طوری که مسائل و نیازهای مادی و معنوی از این طریق حل می‌شده، در شادی‌ها و غم‌ها این خانواده بوده که با یکدیگر تشریک مساعی و همدردی می‌کرده‌اند، در صورت لغزش یکی از اعضا این خانواده بوده که میانداری و ریش سفیدی می‌کرده است و حتی قبل از تبدیل شدن برخی انحرافات به چالش و بحران این خانواده بوده است که تذکر و تشر می‌زده است. اعضای خانواده به اعتبار بزرگان خود صاحب شغل و منصب و سرمایه می‌شدند و بسیاری موارد دیگر که خانواده نقشی کلیدی داشته و هنوز دارد و لذا غفلت از این کارکرد مهم و عدم تقویت آن موجبات آسیب‌های جدی برای جامعه قدرتمند شدن نهادهای مدرن از جمله بیمه، بانک، نهادهای مراقبتی (خانه سالمندان و...) و ... می‌شود و لذا در این کارکرد بایستی خانواده توانا شود و نقش محوری پیدا کند به طوری که در تعامل با نهادهای مدرن هم این نهاد خانواده باشد که نقشی کلیدی ایفا کند، به عنوان مثال در تعامل با بانک می‌توان تضمین خانواده باشد و نه اعتبار فردی و شخصی.

۲. کارکرد جمعیت‌سازی: خانواده جمعیت حلال‌زاده تولید می‌کند. یکی از اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین کارکردهای نهاد خانواده تولید نسل است، هم به لحاظ کیفی و هم کمی. جامعه‌ای که جمعیت سالم و زیاد نداشته باشد، عملاً برای حرکت به سمت رشد و پیشرفت با مشکل مواجه است. جمعیتی که اصل و نسب خود را بشناسد و در چارچوب قانونی و شرعی بوجود آمده باشد. جمعیتی که سالم باشد و به لحاظ جسمی ضعیف و معلول نباشد. جمعیت یکی از پیش‌نیازهای مهم هر جامعه‌ای برای ادامه‌ی حیاتش است که اگر جمعیتی نباشد، گویا جامعه‌ای هم وجود ندارد. پس توجه و سرمایه‌گذاری برای تقویت این کارکرد توسط حاکمیت‌ها بسیار مهم و ضروری است که متأسفانه کشور ما در این موضوع با مسائل و مشکلاتی مواجه است.

۳. کارکرد امنیت‌سازی: خانواده امنیت ساز است. به تعبیر شهید بزرگوار استاد مطهری هر نظامی برای رشد به امنیت نیاز دارد و امنیت به معنای نبود مانع است. یکی از مواردی که امنیت جامعه را تهدید می‌کند و مانع رشد آن می‌شود، عدم انضباط در روابط زن و مرد و عدم پاسخگویی به این نیاز در زمان مناسب است. این موضوع از هرج و مرج جنسی جلوگیری می‌کند و سلامت روانی افراد جامعه را تضمین کرده و کرامت انسان و قداست خانواده را حفظ می‌کند؛ در نتیجه این نکات آرامش ناسی از خانواده سالم در جامعه سرریز می‌شود و باعث بوجود آمدن امنیت در همه ابعاد اخلاقی، روانی، سیاسی و اقتصادی، آموزشی و تربیتی می‌شود.

۴. کارکرد فرهنگ‌سازی: خانواده فرهنگ ساز است. هم فرهنگ و آداب و رسوم گذشته را حفظ کرده و منتقل می‌کند و هم اعضای خانواده را فرهنگ‌پذیر کرده و به جامعه معنا و فرهنگ جدید می‌بخشد. یکی از کارکردهای مطلوب یا اساسی که در اهداف کلان هر جامعه‌ای نهفته است، کارکرد فرهنگی است. فرهنگ عبارت است از باورها، آداب و سنن، ارزش‌ها که انتقال این‌ها به نسل بعد اهمیت دارد. مهم‌ترین نقش و وظیفه‌ای که خانواده به عهده می‌گیرد، فرهنگ‌سازی است. یعنی فرهنگ‌سازی برای تمدن‌سازی. این فرهنگ‌سازی هم می‌تواند فرهنگ بد باشد و هم فرهنگ خوب. یعنی هم می‌تواند فرهنگ مطلوب باشد و هم می‌تواند فرهنگ نامناسب باشد.

۵. کارکرد انسان‌سازی: خانواده انسان الهی می‌سازد و خانواده انسان‌ساز است. در چارچوب مفهومی یکی از کارکردهای اصلی نهاد خانواده، تربیت، اجتماعی کردن و جامعه‌پذیری ذکر شده است. به این مطلب نیز اشاره شده است که این کارکردها در جامعه‌ی کنونی پسا مدرن به نهادهای جایگزین و موازی مانند مهد کودک و مدرسه سپرده شده است، اشتباهی که غرب در قبال فرزندانش انجام داد. اما نکته‌ی اصلی اینجا معلوم می‌شود که اولاً این نهادها چه انسانی و برای چه غایتی تربیت می‌کنند؟ بنظر می‌رسد نهادهای مدرن انسان را برای جامعه‌ی مدرن با اهداف مدرن تربیت می‌کنند. انسانی که به فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی سوق داده می‌شود، انسانی که به سمت تنهایی هدایت می‌شود و این تنهایی را قرار است با ابزارها و تکنیک‌های مدرن جبران می‌کند. این نهادها جایگزین و در تقابل با مادری ایفای نقش می‌کنند و انسان تک‌ساحتی که هرچه نظام سرمایه‌داری می‌خواهد، تولید می‌کند، انسانی خودخواه و مصرف‌گرا که در نهایت جامعه را به نابودی می‌کشاند. اما در دیدگاه انسانی خانواده با محوریت مادر بستر تربیت کودک‌کی اجتماعی است که به قرب الهی خود و خانواده و جامعه‌اش فکر و حرکت می‌کند و قرار است خلیفه خدا بر روی زمین شود. با این نگاه است که فرزندان حقوق متقابل خود و پدر و مادر را می‌آموزند، خانواده به مانند سپری از آنان در قبال اشتباهات و لغزش‌ها حمایت می‌کند، ایثار و از خود گذشتگی را به آنان می‌آموزد و جمع‌گرایی و ساختن جامعه و جهان را برای نوع بشر به آنان می‌آموزد. مصداق اتم این انسان‌سازی، خانواده‌ها و مادران شهدا در کشور ایران هستند، انسان‌هایی الهی که با بذل خون خود جامعه و کشور را از هرگونه آفات و تهاجمات حفظ کرده‌اند که خود جای مطالعه‌ای مفصل دارد.

۶. کارکرد جامعه‌سازی: خانواده جامعه‌ساز است. یکی از کارکردهای اصلی خانواده تربیت انسان‌هایی است که آن انسان‌ها بتوانند تعالی پیدا کنند و بتوانند جامعه را به تعالی برسانند. خانواده قوام بخش جامعه است و جامعه براساس خانواده شکل می‌گیرد و اهداف جامعه را محقق می‌کند. از طریق خانواده مستحکم جامعه می‌تواند به سبک زندگی بومی خود دست یابد و از آن طرف هم جامعه‌ای باشد که در آن نشاط، امیدواری، آینده‌نگری، فعالیت، خطرپذیری بوجود بیاید. با تشکیل و تحکیم خانواده امنیت و آرامش برای افراد، خانواده و جامعه ایجاد می‌شود و

خانواده به مانند دژی از اعضایش حمایت و مراقبت کند اگر این خانواده جمعیت موردنیاز را تولید کند و این جمعیت متشکل از انسان‌هایی الهی، متعالی و نقش‌آفرین و دغدغه‌مند باشد، آن جامعه ساخته می‌شود، آن جامعه شکوفا می‌شود و به سمت رشد و تعالی حرکت می‌کند. از این نظر گاه هم فرد اصالت دارد و هم جامعه، اما انسان‌سازی و توجه به فرد انسانی بر جامعه و جامعه‌سازی اولویت دارد. اگر خانواده را سلول بنیادین جامعه و رابط فرد و اجتماع در نظر بگیریم، این خانواده و انسان‌سازی آن اولویت دارد چرا که خانواده واسطه فرد و جامعه می‌باشد. در تطبیق کارکردهای احصا شده از مصاحبه با کارشناسان و افراد خبره با مفهوم و تعریف کارکردهای چهارگانه‌ی ذکر شده در نظریه کارکردگرایی ساختاری نیز این کارکردها مورد تأیید قرار می‌گیرند:

کارکردهای احصا شده برای خانواده	چهار کارکرد نظری	
کارکرد امنیت‌سازی کارکرد حل‌کنندگی کارکرد جمعیت‌سازی	۱	کارکرد اول سازگاری: کارکردی که با محیط سازگاری دارد درحقیقت حکایت از تمایل هر نظامی درسازش دادن نیازهایش با شرایط خارجی دارد. یعنی هر نظامی باید خودش را با موقعیتی که در آن قرار گرفته است تطبیق دهد، هم خودش را با محیط و هم محیط را با نیازهایش سازگار کند.
کارکرد انسان‌سازی	۲	کارکرد دوم دست‌یابی به هدف: بیان‌کننده‌ی این است که هر نظامی باید اهداف اولیه‌اش را تعریف کند و عمل آن درجهت دست‌یابی به آن‌ها باشد. زیر این مقوله پارسنز مجموعه کنش‌هایی را جای می‌دهد که می‌خواهند هدف‌های نظام را تعیین کنند و برای رسیدن به این هدف‌ها و گرفتن پاداش مطلوب، منابع و انرژی‌ها را بسیج کرده و هدایت می‌کنند.
کارکرد جامعه‌سازی	۳	کارکرد سوم انسجام و یگانگی (یکپارچگی): بدین معنی است که هر نظامی ضمن این که عناصر خود را نظم می‌بخشد باید روابط درونی بین آن‌ها را نیز یکپارچه سازد، باید روابط متقابل اجزای سازنده‌اش را تنظیم کند و به رابطه میان چهار تکلیف کارکردیش نیز سر و صورتی بدهد. منظور از آن بُعد ثبات بخشنده نظام است. بُعدی که کنش‌های حمایت‌گر نظام در برابر تغییرات ناگهانی و اختلال‌های بزرگ و کنش‌هایی که باید یکپارچگی و همبستگی لازم برای ماندگاری کارکرد نظام را تأمین کند در آن جای دارد.

کارکردهای احصا شده برای خانواده	چهار کارکرد نظری	
کارکرد فرهنگ سازی	<p>کارکرد چهارم پایداری: هر نظامی باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده این انگیزشها را ایجاد، نگهداری و تجدید کند. و تا حد ممکن خود را در حالت تعادل نگاه دارد. هر نظام به مجموعه ای از اجزای کنشی نیاز دارد که کارشان ایجاد انگیزه لازم در کنشگران و همچنین حفظ و نگهداری آن است</p>	۴

تحلیل مضمون فراگیر «کارکرد تمدن‌سازی خانواده»

خانواده تمدن ساز است. تجمیع همه‌ی کارکردهای مذکور برای خانواده نهایتاً جامعه را به سمت تمدن‌سازی سوق می‌دهد. تمدن، برابر با فرهنگ و به معنای مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی یک جامعه است (شریعتی، ۱۳۷۶: ۱۳۹). آرنولد توین‌بی معتقد است که «فروپاشی هر تمدن محصول عدم توانایی در پاسخگویی متناسب به چالش‌های مهم اخلاقی و دینی است. این عجز و ناتوانی به مرور زمان منجر به بی‌اعتمادی مردم نسبت به تمدنشان در حفظ نظم و ساختارهایی برای جان و زندگی‌شان می‌شود.» (پهلوان، ۱۳۸۸، ص ۴۳۰) از نظر شهید مطهری، چون غربی‌ها خانواده را فراموش کرده‌اند، در تمدن‌سازی دچار مشکل شده‌اند، چراکه خانواده‌ها جامعه را می‌سازند و سلول تشکیل جامعه افراد نیستند، بلکه خانواده‌ها هستند. لذا نباید آن را نادیده گرفت.^۱ در این راستا توجه به کشورهای غربی به اصطلاح متمدن که متأثر از مدرنیته هستند و به لحاظ رفاه و ثروت وضعیت خوبی دارند، ضروری است. کشور سوئد یکی از این کشورهاست که در شاخص‌های اقتصادی و توسعه‌ای رتبه بالایی دارد اما بحران خانواده در این کشور و کشورهای مشابه غربی، تمدن مدرن را در آستانه‌ی بحرانی بزرگ قرار داده است. از سال ۱۹۸۰، ۶۳ درصد از ساکنان استهکلم تنها زندگی می‌کنند و بالاترین نرخ طلاق و کمترین نرخ ازدواج را داراست و ۵۰ درصد از کل متولدان آن نامشروع هستند (آرام، ص ۹۷، ۱۳۹۷).

1. <https://motahari.ir/%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B7%D9%87-%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%A7%D8%AF%D9%87-%D9%88-%D8%AA%D9%85%D8%AF%D9%86%E2%80%8C%D8%B3%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%86%D8%AF%DB%8C%D8%B4%D9%87-%D8%B4/>

کارل زیمرمن از مهم‌ترین متفکرانی است که در زمینه خانواده و تمدن نظریه‌پردازی کرده و کتابی هم با همین عنوان به رشته‌ی تحریر درآورده است. زیمرمن معتقد است که ظهور و سقوط تمدن‌ها با ظهور و سقوط نظام خانواده ارتباط مستقیم دارد به گونه‌ای که تمدن در مرحله‌ی خانواده گسترده مبتنی بر اقتصاد کشاورزی شکل گرفته است و در مرحله دوم با افزایش سطح مدنیت، جامعه‌پذیری و رشد اقتصاد در بستر خانواده، و عینیت این مدل خانواده تمدن شکل می‌گیرد. در مرحله‌ی آخر با شکل‌گیری خانواده اتمی و گسترش آن و کاهش تمایل به ازدواج و علی‌الخصوص فرزندآوری تمدن رو به افول می‌رود. (زیمرمن، ۱۹۴۷، ۲۰۳-۲۶۲) زیمرمن برای ملموس شدن هرچه بیشتر ارتباط میان تمدن و خانواده، به بیان چارچوب‌های عملی و نظام مسائل‌های عملی و فکری رایج در دوران رواج اتمیسم در تمدن‌های یونان، روم و جهان مدرن اشاره می‌کند. این سبک‌های زندگی و اندیشه عبارت‌اند از:

۱. «رشد طلاق‌ها با دلایل واهی
۲. کاهش تعداد فرزندان، فساد نسل و کاهش ارج و منزلت والدین و ابوت در جامعه
۳. از بین رفتن معنای واقعی مراسم عقد و ازدواج
۴. حاکمیت دکترین بدینی نسبت به ازدواج در سنین پایین (تشکیل خانواده و ازدواج در سنین بالا فاقد محبت‌های کافی زن و مرد نسبت به یکدیگر است)
۵. افزایش ثنوری‌های مروج ازدواج سفید و خانواده‌های بی تفاوت نسبت به حل مشکلات
۶. زیر پا گذاشتن هنجارهای رایج ازدواج (به‌عنوان مثال در غروب تمدن یونان و روم، مادران زیر بار ماندن در خانه و تربیت فرزندان نمی‌رفتند
۷. گسترش فرهنگ ضد خانواده
۸. زیر پا گذاشتن بسیاری از هنجارها به خاطر روابط نامشروع
۹. سرکشی کودکان در برابر والدین تا جایی که والدین در بزرگ کردن و تربیت فرزندان درمانده می‌شوند.
۱۰. شیوع بزهکاری جوانان
۱۱. اقبال عمومی نسبت گونه‌های مختلف روابط جنسی» (زیمرمن، ۱۹۴۷، ص ۲۵۵)

اساساً تحولات تاریخی - تمدنی با شاخص تحولات در نهاد خانواده فهم می‌شود. هر تمدنی برای شکل‌گیری به انتظامات اجتماعی، ترتیبات اخلاقی، جهان‌شمولی و قوه ابتکار نیاز دارد که این موارد را خانواده می‌تواند فراهم کند. (آرام، ۱۳۹۷، صص ۹۸-۹۷) مطابق نظر زیمرمن بزرگترین و مهم‌ترین مولود خانواده تمدن است و هرچه خانواده مستحکم‌تر و قوی‌تر شود و تعاملات در محیط خانواده قوت گیرد، جوهره تمدن شروع به شکل‌گیری می‌شود (زیمرمن، ۱۹۴۷، صص ۲۶۲-۲۶۱).

بعد از گذشت حدود ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، در بهمن ماه سال ۹۷، رهبر معظم انقلاب در آستانه‌ی ورود انقلاب اسلامی به چهل سال دوم حیات خود، بیانیه‌ای پر مغز و عمیق با عنوان بیانیه گام دوم انقلاب پیش روی همه‌ی مردم ایران قرار دادند. در این بیانیه ضمن تشریح سیر پیروزی انقلاب، شعارهای جهانی آن، برکات انقلاب، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» و دستاوردهای انقلاب برای ایران و جهان، سرفصل‌ها و توصیه‌هایی اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده و به تعبیر مؤلف اهدافی اصلی و اساسی برای سالیان آتی، پیش روی ایرانیان ترسیم شده است، اهدافی که بایستی ما را از دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی عبور دهد و به تمدن‌سازی و به تعبیر معظم له به تمدن‌نوین اسلامی برساند، علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی اهداف و قله‌ی هستند که بایستی در این مسیر فتح گردند. منطبق بر بیانات رهبری معظم انقلاب، یکی از اهداف غایی انقلاب اسلامی ایران دستیابی به به تمدن‌نوین اسلامی و تمدن بزرگ اسلامی است که پیش‌نیاز اصلی آن تشکیل جامعه اسلامی و جامعه‌سازی است (بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی، ۱۴۰۰/۱۱/۲۸). ایشان یکی دیگر از پیش‌نیازهای دستیابی به تمدن‌نوین اسلامی را وجود جوانان با انگیزه و با ایمان و متوکل به خداوند متعال تعریف می‌کنند (۱۳۹۸/۰۹/۰۶ بیانات در دیدار بسیجیان) تربیت انسان‌هایی که «توانا باشند، خردورز باشند، پارسا باشند، پرهیزکار باشند، پاکدامن باشند، کارآمد باشند، مبتکر باشند، شجاع باشند، اهل اقدام باشند، از دشمن ترسند، از تهدید ترسند، خواب‌رفتگی و غفلت پیدا نکنند... پایه‌ی اصلی تمدن‌نوین اسلامی است.» (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱) و در نهایت به تعبیر رهبری معظم انقلاب، ما در گام دوم وارد «دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» شده‌ایم (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

بر این اساس برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی (تمدن سازی) بایستی در چهل سال دوم انقلاب ابتدا به خودسازی پردازیم، بر اساس نتایج مقاله می‌توان بیان داشت که خودسازی یعنی فراهم آوردن پیش‌نیازهایی که منجر به ساخت انسان‌هایی با ویژگی‌های مذکور در بیانات رهبری می‌شود از جمله امنیت سازی، حل‌کنندگی، جمعیت سازی کمی و کیفی و فرهنگ‌سازی در جامعه که این مقولات منجر به تربیت انسان‌هایی متعالی (انسان‌سازی) می‌شود. در مرحله‌ی بعد این انسان‌های تربیت شده، جامعه‌ی اسلامی را تشکیل می‌دهند و جامعه پرداز می‌کنند؛ نکته‌ای مهم که در کنار بیانات رهبر معظم انقلاب باید به آن پرداخت این است که این مراحل از مسیر و بستر خانواده عبور می‌کند و در خلاء شکل نمی‌گیرد و به تعبیر ایشان خانواده محور اصلی تمدن‌سازی و زن محور اصلی خانواده است: «دنیاپی که زن را از داخل خانواده جدا می‌کند و با وعده‌های توهم‌آمیز، بیرون می‌کشد و او را در مقابل نگاه و حرکت هرزه‌ی جامعه، بی‌پناه و بی‌دفاع می‌کند و میدان را برای تعرض به حقوق او باز می‌کند، هم زن را تضعیف می‌کند، هم خانواده را نابود می‌کند، هم نسل‌های آینده را به خطر می‌اندازد. هر تمدن و هر فرهنگی که این منطق را داشته باشد، دارد فاجعه ایجاد می‌کند... اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. [از این منظر] مادر است که فرهنگ، معرفت، تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود به فرزند منتقل می‌کند. همه تحت تأثیر مادران هستند. آن که بهشتی می‌شود، پایه بهشتی شدنش از مادر است. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از مداحان؛ ۱۳۸۴/۰۵/۰۵)» پیشران و عامل اصلی حرکت و پیشرفت در جامعه‌ی اسلامی در راستای دستیابی به اهداف بیانیه گام دوم و در نهایت خودسازی، جامعه‌پرداز می‌شود و تمدن‌سازی از مسیر خانواده سالم با کارکردهای آن عبور می‌کند و اگر انقلاب اسلامی در چهل سال دوم عمر خود به دنبال تحقق اهداف والا و توصیه‌های این بیانیه است بایستی نهاد خانواده به صورت خاص مورد توجه و تأکید قرار دهد، و در جهت تقویت و بازسازی کارکردهای اصلی آن قدم بردارد.

برای پاسخگویی به سوال دوم پژوهش، همانند سوال اول مراحل مذکور منطبق بر روش تحلیل مضمون طی شد و پاسخ‌ها در قالب جدول زیر احصا گردید:

جدول ۲. شبکه مضامین سوال دوم

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
خلط نقش‌ها و وظایف زن و مرد	ناسازگاری زوجین	مسئله زوجیت
ایجاد اختلاف و تعارض بین زن و شوهر		
تعارض بین حقوق و تکالیف زن و شوهر		
حرکت خانواده به سمت فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی		
کاهش نقش مادری مادران در خانواده امروز بواسطه نهادها و سازمان‌های اجتماعی‌ای مثل مهدهای کودک	آسیب دیدن نقش مادری به عنوان عامل اصلی در تعلیم و تربیت	
آسیب به زن به عنوان محور خانواده در نتیجه بوجود آمدن گرایش‌های فمینیستی		
عدم امکان جایگزینی خانواده جهت تربیت فرزندان با هیچ نهاد دیگری		
غفلت خانواده‌ها در واگذاری امر تربیت به نهادهای جایگزین و ضعف این نهادها و معلمان و مربیان در امر تربیتی	کاهش اقتدار تربیتی خانواده	مسائل و بحران‌های تربیتی
بوجود آمدن دوگانگی تربیتی در کودک به دلیل تعارض در آموزه‌های تربیتی مدرسه و خانواده		
از دست رفتن کارکرد تربیتی خانواده به دلیل دخالت آموزش و پرورش		
زیاد شدن دستگاه‌های رقیب خانواده و یا شبه خانواده و عهده‌دار شدن کارکردهای خانواده		
عدم کفایت نهادهای مدرن و جایگزین نهاد خانواده در تربیت فرزندان		
آگاه نبودن والدین به اصول و مهارت‌های تربیتی		
ناهماهنگی در تربیت فرزندان دختر و پسر	عدم ایفای نقش مسئولانه پدر و مادر در امر تربیت	
نداشتن سواد تربیتی والدین		
ناآشنایی والدین با اصول تربیتی		
عدم تربیت مسئولانه فرزندان		
غفلت والدین از وظایف تربیتی		
از بین رفتن شبکه ارتباط بین نسلی و یا چند نسلی در خانواده	از بین رفتن شبکه خویشاوندی	مسئله نظارت و کنترل اجتماعی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
از بین رفتن ارتباطات خانوادگی گسترده و قوی	خانوادگی	
گسیختگی ارتباطات خانوادگی و فامیلی		
آسیب دیدن کارکرد ارتباطی بین نسل‌ها		
آسیب دیدن ارتباطات خویشاندی و جایگزین شدن روابط خارج از چارچوب		
-جایگزین شدن نهادهای موازی خانواده در موضوع فرهنگ و ارتباطات خانوادگی	ایجاد اختلال در فرهنگ سازی خانواده و فرهنگ پذیری اعضای خانواده	مسئله هویتی
تولید قصه و قصه‌گویی توسط رسانه‌ها (حاکمیت نهادهای رسانه‌ای)		
تولید بازی و بازی با بچه‌ها توسط سازمان‌های اجتماعی		
آسیب دیدن کارکرد ارتباطی بین والدین و فرزندان		
عدم انتقال سرمایه و میراث فرهنگی به نسل بعد		
شکاف نسلی		
آسیب وارد شدن به کارکرد فرهنگی نهاد خانواده بواسطه جنگ نرم دشمن		
در خطر بودن امنیت ناموسی خانواده	ناامنی روانی و ناموسی در جامعه	مسئله آرمش و امنیت اخلاقی
آسیب دیدن روحیه معنوی خانواده		
آسیب دیدن آرامش و امنیت روانی خانواده		
در خطر بودن سلامت روانی و جنسی جامعه		
آسیب به امنیت اخلاقی و روانی خانواده بواسطه تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای		
تهدید کمی و کیفی نسل و جمعیت	آسیب دیدن کارکرد فرزندآوری	مسئله کمیت جمعیت
کاهش نرخ مولد		

در جمع‌بندی و جهت‌پاسخگویی به سوال دوم مقاله با بررسی مضامین پایه و سازمان‌دهنده و احصا مضامین فراگیر می‌توان این‌گونه بیان داشت که بر اساس جدول شبکه‌ی مضامین سوال دوم، در صورت، ایجاد اختلال و آسیب برای کارکردهای خانواده، مسائل متعدد کارکردی برای خانواده و به تبع آن برای جامعه بوجود می‌آید از جمله مسئله زوجیت، مسائل و بحران‌های تربیتی، مسئله نظارت و کنترل اجتماعی، مسئله هویتی، مسئله آرمش و امنیت اجتماعی، مسئله کمیت جمعیت. اگر برای شکل‌گیری خانواده ۳ مرحله تشکیل، تحکیم و رشد و تعالی را متصور شویم هر کدام از این مسائل، روند شکل‌گیری خانواده را در هر مرحله تحت تأثیر قرار می‌دهد و امکان تزلزل و فروپاشی خانواده را بوجود می‌آورد

تحلیل مضامین سازمان‌دهنده

۱. مسئله زوجیت: مهم‌ترین خطر برای هر جامعه‌ای آسیب دیدن نظام زوجیت آن جامعه است. زیرمن در بخشی از چارچوب عملی و فکری خود عواملی را بیان می‌کند که سبب فروپاشی خانواده و درنهایت عدم شکل‌گیری تمدن‌ها می‌شود از جمله زیر پا گذاشتن هنجارهای رایج ازدواج، زیر پا گذاشتن بسیاری از هنجارها به خاطر روابط نامشروع و اقبال عمومی نسبت به گونه‌های مختلف روابط جنسی، افزایش تئوری‌های مروج ازدواج سفید و خانواده‌های بی‌تفاوت نسبت به حل مشکلات، از بین رفتن معنای واقعی مراسم عقد و ازدواج، رشد طلاق‌ها با دلایل واهی، حاکمیت دکترین بدبینی نسبت به ازدواج در سنین پایین (تشکیل خانواده و ازدواج در سنین بالا فاقد محبت‌های کافی زن و مرد نسبت به یکدیگر است). زوجیت هم به مرحله تشکیل خانواده مربوط می‌شود و هم به مرحله‌ی تحکیم خانواده به این معنی که در حال حاضر کشور در موضوعات مربوط به زوجیت دچار آسیب و مسئله است و پژوهش‌ها و پیمایش‌های اجتماعی این موضوع را تأیید می‌کند از جمله: آسیب و اختلال جدی در ازدواج و سن ازدواج، عمومیت ازدواج، نرخ طلاق، الگوهای همسرگزینی، اشکال جدید زوجیت (مرادی، ۱۴۰۰، صص ۲۳۹-۲۳۳) برای این مسئله مصاحبه‌شوندگان علل متعددی بیان کرده‌اند از جمله: خلط نقش‌ها و وظایف زن و مرد و حقوق و تکالیف زن و شوهر، بوجود آمدن گرایش‌های فمینیستی در زنان در مقابل نقش

همسری، آسیب دیدن به زن به عنوان محور خانواده، ایجاد اختلاف و تعارض بین زن و شوهر و عدم توانایی زوجین در مدیریت و رفع تعارضات، حرکت خانواده به سمت فرداگرایی در مقابل جمع‌گرایی.

۲. مسائل و بحران‌های تربیتی: این مسئله نیز منطبق بر چارچوب عملی و تفکری زیرمن

است: سرکشی کودکان در برابر والدین تا جایی که والدین در بزرگ کردن و تربیت فرزندان در مانده می‌شوند و شیوع بزهکاری جوانان؛ همچنین رگه‌هایی از آسیب دیدن نظام زوجیت خانواده در آن دیده می‌شود. به تعبیری دقیق‌تر وقتی زن و شوهر نتوانند تعاملی مناسب با هم برقرار کنند در نتیجه اولین موضوعی که آسیب می‌بیند کارکرد تربیتی خانواده است؛ خانواده و پدر و مادری که باید مظهر اقتدار و مدیر و ناظمی مهربان و توانمند در خانه باشند، دیگر جایگاهی ندارند و دائم درگیر بحران‌های تربیتی مختلفی با فرزندان خود می‌شوند که ناتوان از حل آن هستند؛ البته از نظر مصاحبه‌شوندگان این مسئله علل دیگری نیز دارد از جمله: کاهش نقش مادری مادران در خانواده امروز به واسطه نهادها و سازمان‌های اجتماعی‌ای مثل مهدهای کودک و رشد و تربیت کودکان در بستری غیر از خانواده، غفلت خانواده‌ها در واگذاری امر تربیت به نهادهای جایگزین و ضعف این نهادها و معلمان و مربیان در امر تربیتی، بوجود آمدن دوگانگی تربیتی در کودک به دلیل تعارض در آموزه‌های تربیتی مدرسه و خانواده و عدم کفایت نهادهای مدرن و جایگزین نهاد خانواده در تربیت فرزندان، آگاه نبودن والدین به اصول و مهارت‌های تربیتی و ناهماهنگی در تربیت فرزندان دختر و پسر، عدم تربیت مسئولانه فرزندان.

۱. مسئله نظارت و کنترل اجتماعی: یکی از مهم‌ترین مسائل کارکردی خانواده، مسئله

نظارت و کنترل اجتماعی است. این بُعد از کارکرد خانواده، از تأثیرات اعضای خانواده بر یکدیگر شکل می‌یابد. اعضای خانواده می‌توانند بر رفتار یکدیگر نظارت و کنترل کنند. نظارت و کنترل با سبک صحیح و ابزارهای مناسب می‌تواند موجب سازندگی و بالندگی اعضای خانواده شود و در مقابل، سبک‌های کنترل غلط، بی‌تفاوتی، بی‌نظمی و تنبلی را بر خانواده حاکم می‌نماید. (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹) این مسئله معلول از بین رفتن شبکه خویشاوندی خانوادگی است. شبکه‌ای که قبلاً

خانواده و اعضای آن در کنار دریافت حمایت و مراقبت، تحت نظارت بودند و مستقیم و غیرمستقیم از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌کردند که متأسفانه در عصر حاضر و با از بین رفتن خانواده گسترده و شکل‌گیری خانواده هسته‌ای این خودنظارتی و خودکنترلی خانوادگی و خویشاوندی از بین رفته است که از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان علل مختلفی دارد از جمله: از بین رفتن شبکه ارتباط بین نسلی و یا چند نسلی در خانواده، گسیختگی ارتباطات خانوادگی و فامیلی، آسیب دیدن کارکرد ارتباطی بین نسل‌ها، آسیب دیدن ارتباطات خویشاوندی و جایگزین شدن روابط خارج از چارچوب از جمله پیامدهای این مسئله می‌باشد.

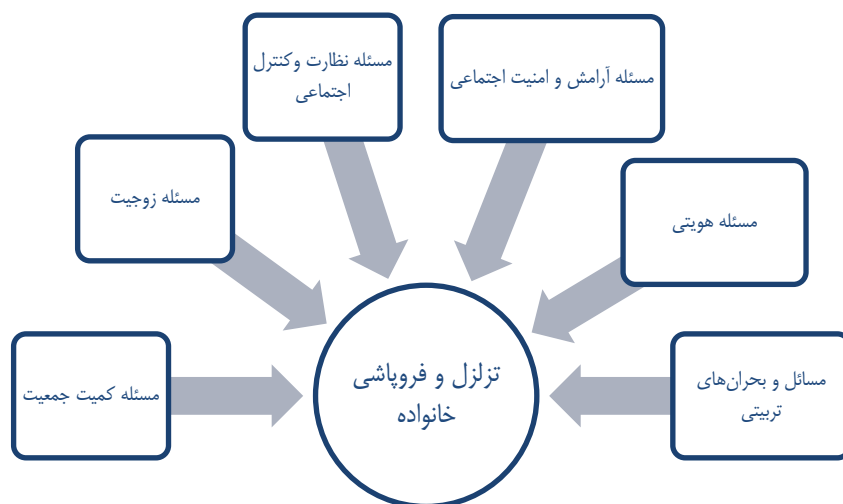
۲. مسئله هویتی: مهم‌ترین کارکرد خانواده انتقال فرهنگ و میراث فرهنگی در چارچوب ارتباطات خانوادگی گسترده است که منجر به تولید هویت در همه ابعاد آن می‌شود. وقتی این ارتباطات دچار اختلال می‌شود و یا با قطعی روبرو می‌شود، کودکان دچار اختلال هویتی و فرهنگی می‌شود. دیگر مادر بزرگ و پدر بزرگ برای کودکان داستان و شعر نمی‌خوانند، دیگر فامیل دورهم جمع نمی‌شوند و آیین‌های ملی و مذهبی را جشن نمی‌گیرند و کودک با خلا ارتباطی مواجه شده و این خلا را با پناه بردن به فضای مجازی و گروه‌های دوستی به طور دیگری جبران می‌کند. علل و پیامدهای این مسئله عبارتند از جایگزین شدن نهادهای موازی خانواده در موضوع ارتباطات، تولید قصه و قصه‌گویی توسط رسانه‌ها (حاکمیت نهادهای رسانه‌ای)، تولید بازی و بازی با بچه‌ها توسط سازمان‌های اجتماعی، آسیب دیدن کارکرد ارتباطی بین والدین و فرزندان، شکاف نسلی، آسیب وارد شدن به کارکرد فرهنگی نهاد خانواده بواسطه جنگ نرم دشمن.

۳. مسئله آرامش و امنیت اجتماعی: در آیات قرآن هدف از تشکیل خانواده آرامش معرفی شده است و خدای متعال آینه تمام‌نما، واقعی و انحصاری آرامش است. انسان در جستجوی گمشده خویش به سوی او شتافته و آرام می‌گیرد. آرامش این نماد کمال از طریق حکمت تحقق می‌یابد. به اعتقاد روانشناسان، آرامش و اطمینانی که برای همسران و حتی اعضای دیگر خانواده در محیط خانواده به‌نجار ایجاد می‌شود، در هیچ جایی حاصل نمی‌شود و محیط آن، امن‌ترین و رضایت‌بخش‌ترین بستر برای ارضای نیازهای روانی، به ویژه تأمین آرامش روانی است.

محبت، غمخواری و پذیرش یکدیگر که از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ضروریات زندگی اجتماعی است، به بهترین وجهی در خانواده تأمین می‌شود. (معارف و قماش، ۱۳۹۵، ص ۱۰۰) یکی از نیازهای اساسی اعضای خانواده، نیازهای عاطفی و هیجانی آنهاست که عبارتند از: دوست داشتن، مورد محبت قرار گرفتن، عشق ورزیدن به دیگران، مورد حمایت قرار گرفتن از سوی اعضای خانواده، شاد شدن به وسیله اعضای خانواده و شاد کردن آنها و مانند این‌ها. (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸) خانواده در گام اول آرامش و امنیت و سلامت روانی را برای اعضای خود به ارمغان می‌آورد و به نیازهای مذکور پاسخ می‌دهد و در گام دوم پیامد این آرامش و امنیت و سلامت روانی در جامعه سرریز خواهد کرد، اما در اثر مسائل بوجود آمده برای خانواده در زوجیت، تربیت، هویت و نظارت اعضای خانواده آرامش و امنیت و سلامت روانی‌شان با اختلال مواجه شده و به جامعه منتقل کرده است.

۱۲. مسئله کمیت جمعیت: از دیگر مسائل کارکردی که نظام خانواده در ایران با آن مواجه است، بحران جمعیت و فرزندآوری است. به عقیده نظریه پردازان حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... «جمعیت» یکی از مولفه‌های اصلی قدرت در هر جامعه‌ای است. جمعیت همواره از مهم‌ترین ارکان جوامع انسانی و اساس شکل‌گیری تمدن‌ها بوده است و اقتدار و ثبات کشورها علاوه بر بزرگی سرزمین و امکانات تحت اختیارشان، با تعداد نفوس آنها نیز ارزیابی می‌شود. جوامع پرجمعیت عموماً موفق به حفظ استقلال خود هستند و تمدن‌های بزرگ و پایدار متعلق به ملت‌های بزرگ و توانمند است. جمعیت در کشورهایی که از منابع زیرزمینی و روزمینی و موقعیت استراتژیکی برخوردارند؛ جزو ارکان و اصلی و راهبردی آنها محسوب می‌شود. (حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۶) جمعیت به عنوان پایه‌ی تأمین امنیت و استقلال کشورها و یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده‌ی قدرت ملی است و با توجه به اینکه دانشمندان علوم دفاعی، قریب به اتفاق، نیروی انسانی را مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل در معادلات نظامی می‌دانند، جمعیت جوان به عنوان مهم‌ترین بخش از نیروی انسانی، جایگاهی به مراتب تأثیرگذارتر در ساخت اقتدار ملی و بازدارندگی نظامی ایفا می‌کند. (خاتونی، ۱۳۹۳) در نتیجه جمعیت در شکل‌گیری ساخت‌های درونی قدرت، اقتدار ملی و رشد و پیشرفت کشور بسیار مهم و حیاتی است. نهایتاً این

مسئله نیز با چارچوب علمی زیرمن انطباق دارد و به این موضوع اشاره می‌کند: کاهش تعداد فرزندان، فساد نسل و کاهش ارج و منزلت والدین وابوت در جامعه. این مسائل در یک تجمع و هم‌افزایی منجر به آثار نامطلوبی برای جامعه خواهند شد که ابتدا منجر به بحران مشروعیت خانواده و در نهایت منجر به نابودی و فروپاشی خانواده خواهند شد و پیامد اصلی آن برای کارکرد اصلی خانواده یعنی تمدن‌سازی است و لذا این موارد جز اصلی‌ترین مسائل کارکردی نهاد خانواده می‌باشند.



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در موضوع کارکردهای خانواده تاکنون مباحث زیادی صورت گرفته است اما در این مقاله با استفاده از نظرات کارشناسان و خبرگان موضوع و تحلیل مضمون آن، کارکردهای مهمی را برای خانواده و جامعه احصا و تعریف کرد که توجه به آن‌ها ضروری و نجات بخش برای جامعه و آینده بشری خواهد بود. اگر هدف نهایی بشریت را دستیابی به سعادت و ایجاد تمدنی انسانی برای همه‌ی انسان‌ها در نظر بگیریم، این نهاد خانواده است که انسان و جامعه را به این هدف نیل خواهد

داد و لذا اصلی‌ترین کارکرد خانواده و تمدن‌سازی است؛ در این مسیر بایستی نهاد خانواده پیش‌نیازهای کارکردی را برای تمدن‌سازی فراهم کند که در نهایت به سمت ایجاد تمدنی انسانی حرکت شود، این پیش‌نیازها عبارتند از کارکرد امنیت‌سازی، جمعیت‌سازی، فرهنگ‌سازی، حل‌کنندگی، انسان‌سازی، جامعه‌سازی. اما در مسیر رسیدن به تمدن انسانی، نهاد خانواده در جامعه‌ی کنونی ما دچار مسائل کارکردی نامطلوبی شده است که عواقب خوبی برای آینده جامعه ندارد، و در صورت عدم تدبیر و حل این مسائل تزلزل و فروپاشی خانواده و در مسیر حرکت به سمت تمدن‌سازی موانع جدی پدید می‌آید. این مسائل عبارتند از مسئله زوجیت، مسائل و بحران‌های تربیتی، مسئله نظارت و کنترل اجتماعی، مسئله هویتی، مسئله آرمش و امنیت اخلاقی، مسئله کمیت جمعیت. در این مرحله ضروری است که حاکمیت به عنوان حفظ‌کننده نظام اجتماعی در راستای رفع این مسائل کارکردی قدم بردارد تا عواقب آن گریبان‌گیر جامعه نشود. به نظر می‌رسد توجه به کارکردهای اصلی احصا شده در قالب راهکار می‌تواند به این مهم بینجامد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ابراهیم نجفی، و حسین احمدی. ۱۳۹۱. «اهمیت، نقش و کارکرد خانواده از دیدگاه اسلام و بررسی جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، تهران: خانواده و پژوهش، بهار ۱۳۹۱ - شماره ۱۴.
- اسماعیل چراغی کوتیانی. ۱۳۸۸. «رویکرد اسلام به چهار کارکرد مهم خانواده»، قم: معرفت تیر ۱۳۸۸ - شماره ۱۳۹.
- آراسته‌خو، محمد (۱۳۸۱). کتاب نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی و اجتماعی. تهران: چاپبخش.
- آرام، محمدرضا (۱۳۹۷)، بررسی محوریت نهاد خانواده در تمدن‌سازی، چهارمین همایش ملی تمدن‌نوین اسلامی، تهران، <https://civilica.com/doc/958982>
- آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سروش.
- آزادارمکی، تقی. (۱۳۹۷). کتاب تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی. تهران: تپس.
- بستان، حسین. (۱۳۸۳). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بستان، حسین. (۱۳۸۹). خانواده در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی (انگلیسی - فرانسه - فارسی). مترجم: باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۸)، فرهنگ و تمدن، تهران: نی.
- تقوی، نعمت‌اله (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: آیدین
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات
- حسینی‌مجرد، اکرم، ۱۳۹۲، جمعیت ایران، افزایش یا کاهش. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- خدادادی، پوران؛ میرمحمدی، سید ضیاء‌الدین؛ واعظی، محمدجواد؛ «آثار تمدنی خانواده مستحکم در سیره معصومان علیهم‌السلام»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی سال سیزدهم پاییز ۱۴۰۱ شماره ۴۸
- داود حسینی. ۱۳۸۸. «کارکرد خانواده از دیدگاه روان‌شناسی با نگرش به منابع اسلامی»، قم: معرفت اسفند ۱۳۸۸ - شماره ۱۴۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه، تألیف: علی اکبر دهخدا؛ زیر نظر: محمد معین، جعفر شهیدی؛ [با نظارت] موسسه لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ: روزنه
- رامین مرادی. ۱۴۰۰. «تحلیل سیاست‌های فرهنگی خانواده در ایران پس از انقلاب»، تهران: مطالعات فرهنگ - ارتباطات بهار ۱۴۰۰ - شماره ۸۵

- روشه، گی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز. مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. مترجم: محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- زمانی، علی اکبر. (۱۳۸۶). نقش و کارکرد نهاد خانواده در تأمین امنیت اجتماعی. دانش انتظامی، ۹(۲)، ۶۳-۶۴.
- SID. <https://sid.ir/paper/100516/fa>
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- سالاری فر، محمدرضا. (۱۳۸۴). خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت).
- سلطان محمدی، فاطمه (۱۳۹۰). بازخوانی اصول و مبانی لازم در تحکیم بنیان خانواده با رویکردی بر آموزه‌های قرآنی، کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده. تهران دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.
- شعب رشیدی، سید حسام‌الدین حسینی، و موسی شهریار. ۱۴۰۰. «بررسی تطبیقی مفهوم و کار ویژه‌های خانواده در الگوی اسلامی و غربی»، تهران: علوم اجتماعی شوشتر سال پانزدهم بهار ۱۴۰۰ شماره ۱.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۸). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صالحه شریفی. ۱۳۹۰. «نگرش اسلام و فمینیسم به کارکردهای نهاد خانواده»، قم: پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده تابستان ۱۳۹۰.
- عبدالرحمان بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۹، ج ۱.
- فروتن، یعقوب، ۱۳۹۲، چالش‌های خانواده معاصر و نوگرایی با تأکید بر طلاق در فرآیند گذار جمعیتی فلیک، اووه (۱۳۸۷). کتاب درآمدی بر تحقیق کیفی. مترجم هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- کارگر، رحیم، ۱۳۹۵، شناسایی مسائل اساسی تحکیم خانواده در ایران (با تأکید بر تغییرات ارزشی در آینده) کافی، مجید (۱۳۸۵). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: مرکز جهانی للدراسات الاسلامیه
- کرایب، یان (۱۳۸۹). نظریه اجتماعی کلاسیک. مترجم: شهناز مسمی‌پرست. تهران: آگه.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰)، درآمدی به جامعه‌شناسی (ترجمه‌ی محسن ثلاثی)، نشر فرهنگ معاصر.
- مجید معارف، و احمد قماشچی. ۱۳۹۵. «عوامل آرامش خانواده در سبک زندگی امام علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام)»، تهران، شورای فرهنگی-اجتماعی زنان و خانواده، مطالعات راهبردی زنان زمستان ۱۳۹۵ - شماره ۷۴
- محمدپور، احمد؛ رسول صادقی؛ مهدی رضایی و لطیف پرتوی (۱۳۸۸). «سنت، نوسازی و خانواده: مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی»، پژوهش زنان، شماره: ۴.
- معارف، مجید، و قماشچی، احمد. (۱۳۹۵). عوامل آرامش خانواده در سبک زندگی امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س). مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۱۹(۷۴)، ۹۳-۱۲۴.
- SID. <https://sid.ir/paper/93919/fa>

زاهدی، محمدجواد، ناییبی، هوشنگ، دانش، پروانه، و نازک تبار، حسین. (۱۳۹۴). فرآیند نوسازی و ظهور مسائل جدید در خانواده. رفاه اجتماعی، ۱۵(۵۶)، ۷-۳۷. SID. <https://sid.ir/paper/56455/fa>

النوری الطبرسی، الشیخ حسین (۱۳۶۶) مستدرک الوسائل، ج ۱۴، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).

هاشمی مزرعه، سیدعلی (۱۳۸۸) شاخصه‌های فرهنگی جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن و روایات، پایان‌نامه: باقرالعلوم (ع) (۱۳۸۸) [کارشناسی ارشد ناپیوسته] استاد راهنما: محمود تقی زاده داوری محمود تقی زاده داوری، استاد مشاور ۱: کریم خان محمدی کریم خان محمدی.

Zimmerman, Carle (1947), family and civilization, New York : Harper.

Boyatzis, R. E. (1998). Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development. Sage Publications, Inc.

Attride-Stirling, Jennifer (2001) Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. Qualitative Research, 1, 385-405.

